

## آموزش مجازی و عدالت آموزشی



محمد داوری  
فعال مدنی  
معلمان

بیش از یک سال از اعلام علنی و رسمی ورود کرونا به کشور و چالش‌های ناشی از آن در حوزه‌های مختلف گذشت. در این میان آموزش

و پرورش هم دچار چالش ناشی از متولی تعلیم و تربیت ۱۵ میلیون دانش آموز است که با والدین‌شان نزدیک به ۳۰ میلیون مخاطب دارد. در کنار این باید به جمعیت یک میلیون فرهنگیان شاغل در مدارس و ادارات اشاره کرد که تلاش کردند در این سال سخت مدافع کیفیت و عدالت آموزشی و پاسخگوی خانواده‌ها باشند. با این همه کیفیت و عدالت آموزشی سال‌ها به عنوان یک مطالبه ملی و مورد توجه کنشگران مدنی و رسانه‌ای حوزه آموزش و پرورش بوده و هست و البته این روزها با چالش جدیدی به نام آموزش مجازی روبه‌رو شده است، مدل آموزشی که در این سال به نظام آموزشی کشور تحمیل شد؛ تحمیلی که در درجه نخست به نظر می‌رسد عدالت آموزشی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است چرا که از همان هفته‌های نخست آموزش مجازی، مدارس برخوردار و غیرانتفاعی توانستند خلأ ناشی از آموزش حضوری را تا حدی با سامانه‌های خصوصی و اختصاصی برطرف کنند اما مدارس مناطق محروم و دور افتاده شوک‌زده از یک سو باید نگران سلامت خود و دانش‌آموزان می‌بودند و در سوی دیگر دغدغه آموزش را می‌داشتند، چرا که در نظام متمرکز همیشه عادت کرده بودند تا راهکار و دستورالعملی از مرکز ابلاغ شود. این مدارس در روزهای اول عملاً تعطیل شده و چشم انتظار دستور وزارت‌نشینان پایتخت ماندند.

البته تعدادی از معلمان دلسوز و مدیران پیگیر مدارس منتظر نمانده و از شبکه‌های اجتماعی استفاده کردند و عملاً آموزش مجازی را کلید زدند اما این راهکار برای همه مناطق و مدارس پاسخگو نبود، چرا که در برخی جاها اینترنت نبود یا اگر اینترنت بود، گوشی نبود.

فقر و محرومیت دوباره چهره خود را نشان داد و به موازات اینکه کرونا قربانی می‌گرفت، فقر و محرومیت هم از کودکان و نوجوانان این مرز و بوم قربانی می‌گرفت اما به هر طریقی که بود و با رسیدن نسخه اولیه شبکه شاد، سال تحصیلی گذشت و در زمانی که هنوز کشور درگیر موج نخست کرونا بود به پایان رسید و سفارش هم شده بود که مدارس سختگیری نکنند و براساس عملکرد نوبت اول و امتحان غیرحضور، کارنامه‌های خرداد ۹۹ دانش‌آموزان را صادر کنند تا آنها به پایه بالاتر بروند.

تایستان فرصتی است تا آموزش و پرورش و مدارس خود را برای سال تحصیلی جدید آماده کنند و فصل ساماندهی مجدد و برنامه‌ریزی دوباره برای یک سال تحصیلی دیگر است. نقل و انتقال‌های نیروی انسانی و رفع کمبودها و نقص‌ها همه و همه در تایستان انجام می‌گیرد اما حالا تایستان را ۹۹ یا همه تایستان‌های گذشته برای آموزش و پرورش متفاوت بود و نگرانی از اینکه ادامه کرونا آموزش در سال تحصیلی جدید را کاملاً غیرحضور و مجازی کند مسئولان را سردرگم و مناطق محروم را نگران‌تر از قبل کرده بود و عدالت آموزشی بیش از گذشته در معرض تهدید قرار داشت.

شبکه شاد که تنها نسخه ارائه شده آموزش و پرورش بود کمی ارتقا یافته بود و مسئولان با تصور اینکه کودکان و نوجوانان هدف ویروس کرونا نیستند انتظار داشتند بتوانند مدارس را بازگشایی کنند و حداقل نیمه حضوری کلاس‌ها برگزار شود. مسئولان سال تحصیلی را دو هفته زودتر از روال معمول از نیمه شهریورماه شروع کردند تا کمی عقب‌ماندگی سال قبل را هم جبران کند اما همان دو هفته شهریور و مقاومت والدین و شروع موج بعدی کرونا کافی بود تا آموزش کاملاً مجازی و غیرحضور شود و علی‌رغم تأیید ضمتی مسئولان بر اینکه مدارس اختیار دارند که حضوری یا غیرحضور برگزار کنند، اما ترجیح خود دانش‌آموزان و نگرانی والدین از سلامت فرزندان‌شان و ترجیح سلامت بر تربیت باعث شد کلاس‌های حضوری مورد استقبال قرار نگیرد و همه مدارس بطور جدی به‌دنبال آموزش مجازی و آنلاین باشند.

با هم این مناطق محروم و دورافتاده و بدون اینترنت و گوشی بودند که از قافله عقب ماندند، چرا که مدارس برخوردار و غیرانتفاعی که اصلاً منتظر معجزه‌ای از مرکز نمانده بودند و به پشتوانه تجربه سال قبل و با پیش‌بینی اینکه کرونا همچنان ادامه خواهد داشت، سامانه‌های آموزش مجازی خود را ارتقا دادند و بخش خصوصی هم که فرصت را برای تجارت آموزشی مناسب دیده بود انواع گزینه‌ها (آپشن‌ها) را ارائه دادند و این امکانات نرم‌افزاری تا حد زیادی نگرانی برخوردارها را از خلأ آموزشی و کیفیت آموزشی برطرف کرد، به گونه‌ای که رفته‌رفته نگرانی خانواده‌ها هم کمتر شد و به آموزش مجازی اعتماد کردند و در قبال حفظ سلامت از خیر اندک افتی که ایجاد می‌شد هم گذشتند، هرچند که همه به این باور رسیدند که آموزش مجازی جایگزین آموزش حضوری نمی‌شود اما می‌تواند به عنوان آموزش مکمل مورد استفاده قرار گیرد.

اما همچنان سر دانش‌آموزان مناطق محروم بی کلاه مانده بود و بجز خبرهای اندکی از گوشه و کنار مناطق دورافتاده و محروم که به یاری خیرین و خلاقیت‌ها و فداکاری‌های برخی معلمان چراغ آموزش روشن بود در بسیاری از مناطق همچنان با مشکل اینترنت باقی بود یا گوشی موبایل و اگر هر دو بود همچنان شاد هم در حال ارتقا بود و برای برگزاری کلاس‌های آنلاین تعاملی آمادگی نداشت و خبرهای نویدبخش نسخه‌های کامل‌تر همه را در انتظار گذاشته بود در حالی که سال تحصیلی به نیمه خود نزدیک می‌شد.

حالا که سال تحصیلی از نیمه خود گذشته و تجربه آموزش مجازی هم وارد سال دوم خود شده است متأسفانه همچنان کودکان و نوجوانان قربانی تبعیض و محرومیت می‌شوند و در برخی مناطق محروم دانش‌آموزانی هستند که هنوز آموزش مجازی را شروع نکرده‌اند و اگر حالا همراه اول به همه جا اینترنت برده و شاد هم نسخه جدیدش را ارائه کرده اما تبلت‌های خیرین فقط توانسته به دست تعدادی از این دانش‌آموزان برسد.

به نظر می‌رسد نگرانی عمیق‌تر و گسترده‌تر از این حرف‌هاست و اگر قبلاً امید بود تا عدالت آموزشی رفته‌رفته وضعیت بهتری پیدا کند تا دیگر نگرانی عدالت آموزشی را نداشته باشیم، بلکه به کیفیت آموزشی بپردازیم اما گویا کرونا مثل مارپله نظام آموزشی ما را به پله پایین‌تری سقوط داد و حالا باید در فکر چاره حداقل‌ها بود.

## یادداشت

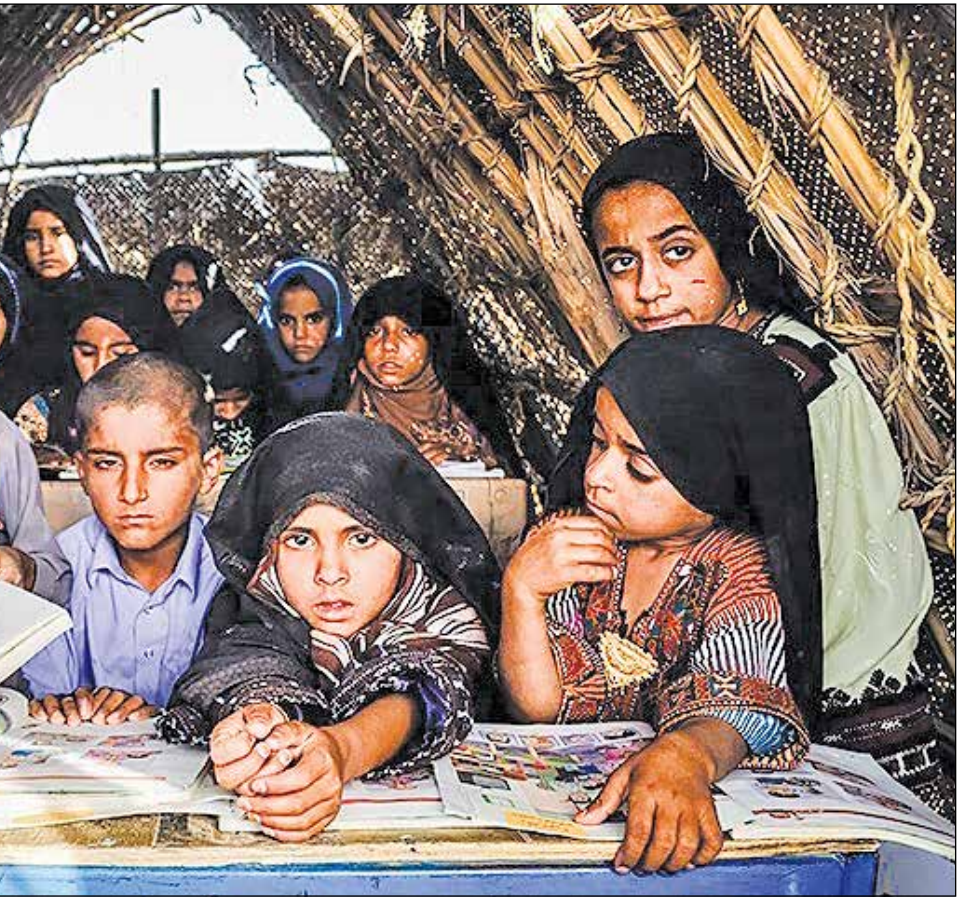
چند سالی است که موضوع عدالت آموزشی و برخورداری از آموزش و پرورش رایگان تا دوره متوسطه اول در سرفهرست برنامه‌های دولت‌ها قرار گرفته است. قبل از شیوع کرونا همواره دولت‌ها از مدرسه‌سازی برای دانش‌آموزان در مناطق محروم گفته‌اند و اولویت اصلی‌شان افزایش پوشش تحصیلی دانش‌آموزان در این مناطق بود. اما در زمان کرونا وضعیت آموزشی به گونه‌ای دیگر رقم خورد، آن‌طور که کارشناسان تعلیم و تربیت می‌گویند: کرونا تعریف عدالت آموزشی را عوض کرد و اکنون باوجود داشتن کتاب، کیف و کلاس درس و نیمکت، باوسایل گرمایشی و سرمایشی استاندارد، تعریف عدالت آموزشی نیست بلکه داشتن تبلت و اینترنت را هم باید به این بحث اضافه کرد. به‌طوری که در همین روزهای کرونایی تصاویر و عکس‌هایی در فضای مجازی منتشر شد که نشان از سختی آموزش مجازی در مناطق کم‌برخوردار آموزشی داشت. تصاویر دانش‌آموزان محروم آنقدر تلخ بود که برخی‌ها در شبکه‌های اجتماعی از مسئولان آموزشی پرسیدند که آیا وضعیت تحصیل برای کودکان مناطق محروم با این همه دشواری انجام می‌شود؟ موضوعی که علی‌اصغر قافی وزیر اسبق آموزش و پرورش به آن اینچنین پاسخ می‌دهد: «اولویت آموزش و پرورش باید برقراری عدالت آموزشی در کشور باشد. بحث‌های مختلفی در حوزه عدالت آموزشی شده است. عدالت آموزشی به دو دسته تقسیم می‌شود: عدالت کمی و عدالت کیفی. مادر عدالت کمی توفیقات خوبی داشته‌ایم. هم اکنون در دوره ابتدایی بیش از ۹۸ درصد، در دوره متوسطه اول بیش از ۹۴ درصد از دانش‌آموزان و در دوره متوسطه دوم حدود ۹۰ درصد دانش‌آموزان به مدرسه می‌روند. اما در عدالت کیفی مشکل داریم و این تعداد دانش‌آموزی که به مدرسه می‌روند به لحاظ کیفیت آموزش وضعیت خوبی ندارند.» در ادامه گفت‌وگوی ما با علی‌اصغر قافی وزیر اسبق آموزش و پرورش را درباره برخورداری دانش‌آموزان از عدالت آموزشی می‌خوانید.

هدی هاشمی  
خبرنگار

■ در طول سال‌های گذشته درباره اجرای عدالت اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین بحث حوزه آموزش و پرورش در کشور از سوی برخی از منتقدان و فعالان آموزشی نقد و نظرهای متفاوتی مطرح شده است شما به عنوان یکی از وزیرانی که چند سالی سکاداری نظام تعلیم و تربیت را بر عهده داشتید چه تعریفی از عدالت آموزشی دارید؟

به نظر من عدالت آموزشی آسان کردن امکانات آموزشی و دسترسی آسان همه کودکان و نوجوانان (دانش‌آموزان) در سن تحصیل به آموزش است. این تعریف خودم از عدالت آموزشی است و البته در حوزه عدالت آموزشی معتقدم که اولویت اول وزارت آموزش و پرورش باید برقراری عدالت آموزشی در کشور باشد. بحث‌های مختلفی در حوزه عدالت آموزشی شده است بنده برای اینکه این بحث را روشن کنم عدالت آموزشی را به دو شاخه تقسیم کرده‌ام. ابتدا عدالت کمی و دیگری عدالت کیفی. عدالت کمی به این معناست که چند درصد از کودکان و نوجوانان در سن تحصیل را به مدرسه برده‌ایم. اگر بخواهیم مروری بر کارنامه دولت‌ها در این ۴۰ سال داشته باشیم باید تأکید کنم که در بحث عدالت کمی توفیقات قابل قبول و بزرگی دولت‌ها داشته‌اند. هم‌اکنون در دوره ابتدایی بیش از ۹۸ درصد از کودکان در سن ۶ تا ۱۱ ساله در چند دانش‌آموز به سال آخر متوسطه دوم می‌رسند. هم‌اکنون تعداد دانش‌آموزانی که در مناطق محروم به سال آخر، یعنی دوازده متوسطه می‌رسند بسیار کم است. این موضوع در برنامه‌های عدالت آموزشی وزارت آموزش و پرورش هم نیست. آیا شما با این نظر موافق؟

بله. این نکته بسیار مهمی است که شما مطرح کردید. در بحث عدالت آموزشی به این موضوع هم گذر تحصیلی می‌گویند. یعنی چند درصد از دانش‌آموزانی که کلاس ششم ابتدایی را می‌خوانند به کلاس هفتم می‌روند، چند درصد از این دانش‌آموزان به کلاس نهم می‌رسند و در نهایت چه تعداد از دانش‌آموزان دیپلم می‌گیرند. این نکته قابل



گفت و گوی وزیر اسبق آموزش و پرورش با «ایران» درباره اجرای عدالت آموزشی در کشور

# دسترسی عادلانه دانش‌آموزان به آموزش

می‌گویند دخترم قالی بیافد، در خانه باشد و به من کمک کند برای ما بهتر است. البته این داستان برای پسرها هم است، اما شدت این نوع رفتارها برای دختران بیشتر است. یک دلیل دیگر که این گذر صورت نمی‌گیرد این است که بحث ازدواج دخترها در سنین پایین مطرح می‌شود و موضوع دیگر که به آموزش و پرورش مربوط می‌شود همان نبود امکانات است.

■ اما وزارت آموزش و پرورش از همان زمانی که کودک وارد مدرسه می‌شود در ارتباط با فرهنگ خانواده باید کار کند ما چند سال است که می‌خواهیم که دختران به‌خاطر دلایل فرهنگی منطقه ترک تحصیل می‌کنند. آموزش و پرورش هم این موضوع را تکرار می‌کند این در حالی است که این وزارتخانه مسئولیت آموزش دانش‌آموزان را بر عهده دارد.

بله این حرف شما درست است اما بپذیرید فرهنگی که در طول این سال‌ها در بین خانواده‌ها شکل گرفته به این سادگی‌ها قابل تغییر نیست. البته هم‌اکنون وضعیت فرهنگی خانواده‌ها در برخی از مناطق نسبت به قبل بهتر شده اما همچنان موضوع فرهنگی به عنوان یک عامل بازدارنده است. مثلاً در منطقه بلوچستان در یک مدرسه ابتدایی ممکن است معلم، آقا باشد. برخی از خانواده‌ها به خاطر همین معلم مرد دخترانشان را به مدرسه نمی‌فرستند. با این همه کمبودها می‌توانم ادعا کنم هیچ دانش‌آموزی در کشور نیست که به دلیل عدم وجود امکانات از تحصیل محروم شود. اگر مدرسه متوسطه در روستایی نداشته باشیم می‌تواند در شبانه‌روزی و روستا مرکزی درس بخواند. دقت کنید زمانی که وزیر بودم فقط ۱۲ مدرسه تک دانش‌آموز در کشور داشتیم. یعنی یک معلم فقط برای یک دانش‌آموز وجود داشت. در همان سال‌ها بسیاری از رسانه‌ها انتقاد می‌کردند که این چه کاری است می‌کنید. اما بر این باور بودم که دانش‌آموز ابتدایی که ۶ ساله است اصلاً نمی‌تواند از روستای خودش به روستای دیگر

چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی، جنوب کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان استان‌های محروم آموزشی هستند. البته ما ۴۰ منطقه محروم آموزشی را شناسایی کردیم که در هر استان حداقل یک منطقه وجود دارد اما در سیستان و بلوچستان ۴ منطقه، در جنوب کرمان، آذربایجان غربی، گیلان، لرستان و گلستان دو منطقه و دیگر استان‌ها یک منطقه محروم آموزشی دارند

را دولت. مردم روستاها در این سال‌ها به دلیل خشکسالی درآمد کمی دارند و وضع مالیشان اصلاً خوب نیست برای اینکه فشار مالی به مردم نباید این طرح اجرا نمی‌شود و همان برنامه روستا مرکزی عملیاتی می‌شود. البته در این سال‌ها ما به راه‌اندازی مدارس شبانه‌روزی هم توجه داشتیم. این نکته را بگویم که در قبل از انقلاب در دوره راهنمایی پسرانه تعدادی محدودی شبانه‌روزی در مناطق محروم و روستاها داشتیم اما بعد از انقلاب آمدم مدارس شبانه‌روزی را در دوره متوسطه اول و دوم دخترانه و پسرانه گسترش دادیم. قبل از انقلاب اگر دانش‌آموز متوسطه‌ای در روستایش مدرسه‌ای نبود باید به شهر می‌آمد و مشکلات بسیاری داشت. اما حالا می‌تواند در مدارس شبانه‌روزی تحصیل کند. در آخرین سالی که در آموزش و پرورش بودم یعنی در سال ۹۵ در مجموع در کشور ۴۰۶ هزار دانش‌آموز در مدارس شبانه‌روزی داشتیم. این رقم رقم بالایی بود. در عدالت کیفی در شبانه‌روزی‌ها دبیرهای تخصصی درس می‌دهند و این معلمان توانمند هستند. در مدارس شبانه‌روزی گذر تحصیلی بالاست. اما همچنان در مناطق محروم این اشکال وجود دارد که از هر ۱۰۰ دانش‌آموز ابتدایی هر ۱۰ نفر به راهنمایی نمی‌رسند و این نکته قابل توجه است که بگویم درس نخواندن دانش‌آموزان همه‌اش مربوط به آموزش و پرورش نمی‌شود. دخترها وقتی از کلاس ششم به هفتم می‌روند یک‌سری از اولیا می‌گویند که دختر دیگر لازم نیست درس بخواند. در برخی از مناطق این فرهنگ وجود دارد. برخی‌ها

## آموزش سخت

حسین حیاتی مقدم  
آموزگار منطقه سرشدت ذفول

درست یک سال پیش در حالی که آماده برنامه‌ریزی برای جشن نوروز می‌شدیم خبر ورود کرونا و اپیدمی آن در کشور تمام نقشه‌هایمان را نقش بر آب کرد. طولی نکشید که کرونا همه جنبه‌های زندگی را تحت تأثیر بی‌رحمانه خودش درآورد. اقتصاد مختل شد؛ تعدادی از مشاغل به حالت نیمه تعطیل و بعضاً تعطیل درآمدند. عده زیادی بیکار شدند. البته کرونا به فرهنگ و آموزش هم ضربه‌ای به مراتب مهلک‌تر زد. ضربه‌ای که شاید در دوران پساکرونا عواقب آن را بیشتر مشاهده کنیم. اما سوال این است در دوران کرونا آموزش چگونه توانست طیف عظیمی از فراگیران را با



حسین حیاتی مقدم آموزگار پایه اول و دوم دبستان شهید فیروززاده منطقه سرشدت ذفول با دانش‌آموزانش در کلاس درس